

از لباس کهنه‌ات
خجالت نکش، از
افکار کهنه‌ات
شرمنده باش
انیشن

بیداری

جامعه‌گوسفندی
لایق حکومت
گرگان است.
برتراندراسل

سال یکم

شماره ۱

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدایی

زیر نظر شورای نویسندگان

این شماره رایگان است، بهای شماره‌ی بعد در صفحه‌ی آخر آمده است

سرمقاله

درودی بر دانایان ایرانی

پس از سده‌ها و سال‌ها خفقان
حاکم بر ذهن و زبان روشنفکران،
خرد و ورزان، خرافه‌زدایان و
پیشگامان جان بر کف ایرانی،
چون، حکیم ابوعلی سینا،
ابوسعید ابی‌الخیر، حکیم
ابوالقاسم فردوسی، حکیم ناصر
خسرو، حکیم ذکریای رازی، عطار
نیشابوری، عمر خیام، مولوی،
دنباله در صفحه ۲

کشورهای ایران و مصر باید هرچه زودتر از جرگه کشورهای

اسلامی خارج شوند

صفحه ۱۱

خرافات و بانوان ایران

صفحه ۳

رافت اسلامی یا وحشت انسانی

صفحه ۷

نمونه خرافاتی که باید از آن پرهیز کرد

صفحه ۶

از مرده‌ها کاری ساخته نیست صفحه ۸ خدا و ادیان صفحه ۹

اگر از نوشته‌های «بیداری» عصبانی و ناراحت میشوید، شوربختانه شما بشدت
خرافات‌پرهیز هستید و اندیشه شما به زیان فرزندان، نسل آینده و میهن ما می‌باشد.

سخنی کوتاه با رسانه‌های گروهی

فرض بر این است که دست اندرکاران رسانه‌ها اعم از گفتاری،
شنیداری و نوشتاری به خوبی آگاهی دارند که انسان از دیر باز با
تشکیل خانواده، در جنگل‌ها و غارها، بدلیل بیدانسی و نا آگاهی
برای حل مشکلات زندگی خود به انواع و اقسام عقاید و باور
های خرافی و دینی توسل جسته و به پرستش سنگ و چوب و بت
پرداخته است.

و از سده شانزده به بعد، بویژه از سده بیستم، با پیشرفت سریع
علم و دانش، همین انسان به حل بسیاری از مشکلات خود فایق
آمده و تغییرات شگرفی در روابطش با محیط زندگی پدید آورده
است. و از این جا بود که اصالت آن باورهای ابتدایی و خرافی

زیر پرشش قرار گرفت و انسان را بیشتر و بیشتر به جستجوی
واقعیت‌ها کشانید تا اینکه برای بیشتر مردم مشخص شد آن
گونه توهمات و خرافات برای بشریت جز زیان بهره‌ای نداشته
است. لیکن از سوی دیگر، گسترش دهندگان آن اوهام و باور
های بیهوده، آرام ننشسته و از آنجا که خوب میدانند اگر این
دکان‌ها بسته شود منافع آنی و آتی آنها به خطر می‌افتد، به شکل
های گوناگون کار تحمیق مردم را ادامه میدهند و یکی از بهترین
وسایل تبلیغ را رسانه‌های عمومی میدانند که آنها را در ازاء
پرداخت بسیار ناچیز به اهداف بزرگشان برساند.

دکانداران خرافه‌گستر مذهب با تهدید و یا تحبیب رسانه‌های
عمومی افکار مخرب خود را به گوش جامعه بقیه در صفحه‌ی ۳

شیعیان عراقی در نمایش‌های عزاداری کربلا باعث شرمندگی ایرانیان و سرافکنندگی مسلمان‌ها شدند

کسانی پیدا می‌شوند که خود غرق خرافات بوده و از پند ها و افشاگری های مستند بهره‌ای نگرفته‌اند، و بجای صرف وقت در مسایل علمی، صرف عمر در ترویج خرافات می‌کنند.

و زیان های اینگونه روشنفکران به مراتب بیشتر از قشر خرافه پرور آخوند و جامعه به اصطلاح روحانیت است که کوچکترین بهره‌ای از روحانیت و معنویت در آنها دیده نمی‌شود.

کانون فرهنگی خرافه زدایی، با بدوش گرفتن پرچم خرافه ستیزان نامبرده در این نوشته، و برای پیشبرد اهداف و آرمان های آنان وظیفه خود میدانند، همانطور که نام خرافه ستیزان را برای ثبت در دفتر تاریخ اعلام می‌کند، در هنگام مناسب، نام آن بیگانه پرستان سودجو و جفاکار خرافه گستر را هم در دفتر زمانه نگاشته و اعلام نماید تا درس تلخی برای آیندگان و شرمی برای خود آنها و بازماندگان نشان گردد.

با آرزوی روزی که جانفشانی ها، تحقیقات و فداکاری های پیشگامان و فعالان راه خرافه ستیزی به ثمر برسد، هم میهنان دل آگاه را به پیوستن این راه دعوت می‌کنیم، و برای آینده میهن عزیزمان و نسل های آینده ایران روزگاری سراسر خردمندی و پیروزی آرزو مینماییم.

بنام دانایی و دانایان ایرانی

منصور حلاج، حافظ شیرازی تا میرزا فتحعلی آخوند زاده، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا حبیب اصفهانی، معجز شستری، ملک الشعرا بهار، احمد کسروی، نیما یوشیج، صادق هدایت، فروغ فرخزاد، علی دشتی، استاد ذبیح بهروز، دکتر زرین کوب، دکتر مظلومان (آریا منش)، دکتر محمد جعفر محجوب و صد ها تن دیگر که هر کدام به شیوه‌ای در رسوا کردن باور های موهوم و دروغین دینی تلاش جانانه کردند، و به ویژه دین از ترحم بدور و نا آشنا با آزادی و عدالت را که از یک هزار و چهار صد سال پیش به زور تحمیل مردم ما شد و سراسر ایران را به زیر چادر تباهی و سیاهی کشانید افشا نمودند، اینک مدت زمانی است بار دیگر، حتی در زیر فشار جهنمی و تیغ خون آلود همین دین، فرزندان خلف آن پیشگامان و بزرگان با نامهایی چون، دکتر مسعود انصاری، استاد شجاع الدین شفا، آله دالفک (سلیمی)، علی میرفطروس، دکتر احمد ایرانی، خانک عشقی، دکتر میرزا روشننگر، دکتر گلمراد مرادی، استوار غلام دانایی، نادره افشاری، دکتر مرتضا میرآفتابی، محمود دولت آبادی، هادی خرسندی، استاد غلامحسین یوسفی، مهندس نادر پیمایی، صادق سرمد، دکتر لطف‌اله روزبهانی، کیوان دشتی، عمران صلاحی، نادر نادرپور، جلال آشتیانی، باقر مؤمنی و با به خطر انداختن جان و زندگی خود ادامه دهنده و هموار کننده راه آن خرافه ستیزان و خردمندان قدیمی گردیده‌اند و با انتشار کتابها، انجام سخنرانی ها و به پا کردن سایت های اینترنتی مانند، سایت های کافر، گلشن، روشنگران، بیداری و انتشار نشریه هایی مانند پیام ما آزادگان، پیمان، سیمرغ، ایرانیان کانادا، هر هفته، ایرانشهر لس آنجلس، بیداری و غیره به خدمت مردم جهان و میهن خویش درآمده‌اند تا فصل سرد زمستان دیر پای خردمندی را به فصل گرم میوه های شیرین آگاهی و دانایی تبدیل کنند.

اگر چه امیدواری های حاصله از فزونی آگاهی های مردم چنان است که جای نگرانی نیست و بسیاری از فرزندان نژاده ایران امروز به اصل گرفتاریها و موانع پیشرفت ها آگاه گشته و در پی رهایی از آن هستند ولی شوربختانه در میان نویسندگان، روزنامه نگاران، برنامه سازان و حتی کارشناسان پزشک و مهندس و معلم و غیره،

ما در پی آنیم که نسل های آینده ایران
و جهان هیچگونه جنگ و اختلافی
بخاطر دین و مذهب نداشته باشند.

از مدافعان تفکر مذهبی، در برابر اندیشه
علمی دعوت به مناظره می‌کنیم، مناظره
ها در مقابل مردم صورت می‌گیرد.

خرافات و بانوان ایران

نجات دهند و فرزندان خردمند بجای نسلی خرافاتی بپرورند. ما از بانوان آگاه دل ایرانی مصرانه و ملتسمانه می خواهیم که برای رهایی از دست خرافات، جنبش آینده ساز خرافه زدایی را نیرومند کرده تا ایران و آینده آن را از دست گرفتاریهای حاصله از نا آگاهی و رُشد خرافات برهانند.

با آرزوی توجه ویژه بانوان فهیم ایرانی به این نوشته و گرفتن تماس با کانون فرهنگی خرافه زدایی برای ساختن ایرانی سرفراز و پیشرفته به انتظار میمانیم تا ببینیم خردمندی خانم های ما نسبت به مردها چقدر بیشتر است و چند نفر آماده همکاری با کانون می شوند.

سفره انداختن و روضه خوانی در منازل،
نقطه ضعف بزرگی بر چهره زنان ایران است.

بقیه از صفحه ی اول

سخنی کوتاه با رسانه های ایرانی

میرسانند و آنها را بسوی خود می کشند که تاکنون هم بسیار موفق بوده اند.

از این رو جا دارد، و خواهش می شود، کلیه رسانه های گروهی بخاطر رسالت تاریخی و بر حسب وظیفه میهنی و حرفه ای خویش بهر قیمتی که شده از انتشار هرگونه تبلیغات مذهبی که مجموعه خرافات را تشکیل میدهد خود داری کرده و حتی اگر بصورت آگهی هم باشد آنرا نپذیرید و بجای قرار گرفتن در کنار خرافه سازان و خرافه پردازان در صف خرافه ستیزان به تنویر افکار عمومی بپردازید، در این راه کانون فرهنگی خرافه زدایی را یاری دهید و آیندگان را به تمجید خود وا دارید.

از روشنفکران کلیه ادیان میخواهیم، شرح
خرافات دین خود را برای ما بنویسند که به
آگاهی همگان برسانیم.

آیا تابحال، بانوان گرامی میهن ما، دریافته اند که خرافات دینی، بیشترین ضربه های خود را بسوی بانوان پرتاب کرده و به آن ها آسیب های فراوان رسانیده است.

و آیا توجه کرده اند، زشت ترین اهانت ها، بیشترین ستم ها در زیر سایه ادیان بر آنها روا گردیده و آن ها را جنس دست دوم پس از مرد شناخته است.

شگفتا که بیشتر زنان ایرانی، خود ترویج دهنده این اندیشه واپسگرا، در اشکال مختلف خرافات هستند. و از پشتیبان های اصلی قشر آخوند و روضه خوان ها، این قشر سربار جامعه، می باشند.

پرسش ما از بانوان ایرانی است که، آیا براستی شما باور دارید که در هر موردی کمتر از مرد ها هستید؟ و سهم ارث شما بایستی نصف ارث مرد باشد؟ در هنگام شهادت دادن دو زن برابر یک مرد به حساب آید؟

آیا شما زنان ایرانی، تاکنون اعتراضی، ایرادی، انتقادی بر سوره نساء، آیه ۳۴ کرده اید که دستور کتک زدن زنان را به مردها میدهد. و آیا چنین دستور ناجوانمردانه و احمقانه را فرمان خدا میدانید؟

و اگر این ستم ها را بر خود روا نمیدارید، چرا چنین کتابی را به مغز آن مردهایی که آن را قبول دارند نمی کوبید؟

آیا این شما بانوان ایرانی نیستید که سفره هایی به نام رقیه و سکینه و زینب و عباس و غیره می اندازید که هیچ گونه بهره و نتیجه ای بجز بر پاییی یک میهمانی و شکمبارگی برای یک عده غیر نیازمند ندارد؟ و اگر خود نمی اندازید، جلوی کسانی را که به این اعمال خرافاتی دست میزنند گرفته و با آنها مبارزه می کنید؟

و آیا شما آگاه هستید که ادامه چنین کارهای خرافی در منزل شما و یا دوستانتان به رفتار و عادت های فرزندان و نسل آینده انتقال می یابد و این اعمال غیر خردمندانه تا ابد ادامه پیدا می کند؟

ما مطمئن هستیم، بانوان ایرانی، همانطور که ثابت کرده اند، به مانند مردها، می توانند به درجات بالای علمی، دانشگاهی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برسند که در گذشته، رسیده بودند. آنها توانایی آن را هم دارند که کشور ما را از شر خرافات

مصلحت یا خیانت

شهری که دروازه بان‌ش دروغگو و حاکمش تبهکار سیاسی باشد، مردمش ضایع و فرهنگش آلوده می‌گردد.

کسانی که حقایقی از قبیل سنت‌های اجتماعی زائد (خرافات) و زیانبار را به درستی شناخته‌اند معذالک در بیان ماهیت آنها هاله غلیظی از رمز و راز و کنایه و اشاره پیرامون شناخت‌های خود می‌کشند تا جایی که حقیقت در میان انبوهی از دود و دم ترس، مه و بخار دروغ‌گم می‌شود، این کسان هنر عرضه نمی‌کنند بلکه حُقه به کار می‌گیرند.

پاورچین پاورچین رفتن یا مثل روضه خوان‌های فکلی که می‌کوشند به اصطلاح خودشان تفسیر و آهنگ نوینی به روضه‌ی کهنه شده عرضه نمایند، نتیجه‌اش بالاخره از پای درآمدن و بحال مصیبت بار خویش گریستن است.

عصر ما عصر بازیافت «خرد» و بازسازی خود است، دست از تجاهل و تردید برداریم و علیه عقاید ویرانگر مکتب‌خانه‌ای سر به شورش برداریم.

آیا از به‌بار آمدن خسارات هنگفتی که در نتیجه لاپوشی و ماست مالی، بسیاری از اهل قلم و اندیشه، متوجه بنیان‌های پیشرفت اجتماعی ما شده بی‌خبر و غافلیم کسانی که میدانند چرا جامعه‌ی ما دچار نازایی شده، اما به وقت گفتن علل این نازایی به طبع شوخ و شنگ خود پناه می‌برند و به‌اشاره و کنایه‌ای بسنده می‌کنند آیا مصلحت می‌کنند یا خیانت؟

اگر بسیاری از بزرگان دنیای اندیشه (مانند ولتر، برتراند راسل.... کسروی) راه جبهه‌نمان ما را پیش گرفته بودند، آیا امروز دنیا می‌توانست شاهد آثاری باشد که مایه فخر و مباهات بشریت شده است. آیا سزاوار است که از یک طرف خودمان را واقف بر امور و آگاه از رموز ترقی قلمداد کنیم ولی از سوی دیگر بر طبل بیداری نکوبیم. (بچه‌زبانی باید گفت) ما نباید از مُردگان طلب نیرو برای زندگان بکنیم (قابل توجه آقای عباس پهلوان عزیز). * تاریخ غمبار ما پُر از هنرمندان، اندیشمندان (و روشنفکران) بی‌عبار و سیاست‌بازان ناجوانمرد است.

بیا بید و اومه‌ها و ملاحظات را کنار بگذاریم و از تاختن به او هام (تاختن پیشکش تبلیغ نکنند) و برانداختن ریشه دارترین باز دارنده‌های آزادی و رُشد انسانی روی نگردانیم و دو دلی‌ها را از خود دور کنیم. آخر مگر کوز شده‌ایم و زخم‌های مهلکی را که

به علت لاقیدی بر پیکر ملت مان نشسته است نمی‌بینیم. پایان

* (آقای پهلوان، اگر با سحر قلم بزا و تند و تلخ خودت، شقه شقه‌مان هم بکنی، و یا بخاطر مبارزات سیاسی جانانه‌ات، به اندازه دو چشم مان دوست داشته باشیم. در برابر خطای بزرگ و گمراه کننده تو عزیز که هنوز به دنبال تبریک و تسلیت گفتن به حسن و حسین و علی و نقی هستی و به ملت زیان دیده ایران از دست همین قوم و قبیله جفا می‌کنی، با پوزشی فراوان شدیداً بر تو اعتراض داریم و این اعتراض و گله تا زمانی که پیام دوست قطعه قطعه شده‌ات دکتر رضا مظلومان را در نیابی ادامه خواهد داشت. و با تمام زجری که از دست تو می‌کشیم، هنوز امید بسیار داریم که روزی برسد شما هم به درایت و دلیری سیاوش آذری‌ها، هادی حقوقی‌ها، سیروس شرفشاهی‌ها پری صفاری‌ها و بسیاری دیگر که خود را از زیر یوغ و فشار فلسفه پرستش تازیان شجاعانه رهانیدند، برسید. که درود همه مردم ایران بر این دلیران پیشگام باد.) کانون فرهنگی خرافه زدایی

هزار وعده خوبان یکی وفا نکند

(گله‌ای از آقای اسماعیل خویی)

حدود سه ماه پیش کانون فرهنگی خرافه زدایی از آقای اسماعیل خویی خرافه ستیز و شاعر نامدار توسط واسطه ایشان آقای دکتر عبقری در آتلانتا برای انجام سه سخنرانی در دانشگاه‌های لس آنجلس - اورنج کانتی و سن دیاگو دعوت بعمل آورد. پس از چند بار گفتگو، با وجود مضیقه مالی مخارج رفت و آمد ایشان هم پذیرفته شد و تاریخ آمدن توسط ایشان حدود پانزدهم مارچ تعیین گردید. هموندان کانون هرکدام در پی تهیه مقدمات انجام این سخنرانی‌ها اقدام کردند و حتی اولین محل، دانشگاه ارواین هم رزرو گردید. در پی ارتباط‌های بعد متوجه گردیدیم که از آنسو نه به تلفن‌ها و نه به فکس فرستاده شده، پاسخی نمیدهند، که ناگهان از رسانه‌های گروهی شنیدیم آقای خویی در شمال کالیفرنیا و دانشگاه UCLA برنامه اجرا خواهد کرد!!

آقای خویی حتی به ما اطلاع نداد که نمی‌تواند به قرار گذارده شده عمل نماید. عهد و پیمان روشنفکران و متعهدها که چنین باشد وای بحال قول و قرارهای رهبران سیاسی که نه ادعای روشنفکری دارند و نه تعهدی را قبول می‌کنند.

انگیزه برپایی کانون خرافه زدایی

فهم ایرانی از چنین مبارزه‌ای، بی مهری نابخشودنی به فرزندان و نسل آینده ایران است.

ما امید بسیار داریم که خواننده این سطور هرچه زودتر با اعلام علاقه خود نسبت به پیوستن به کانون و یا با نوعی کمک دادن به ما، در کار بزرگی که آغاز کرده‌ایم سهیم و پشتیبان باشد.

اگر نماز نمی خوانید، روزه نمی گیرید، خمس و زکوة نمیدهید، دروغ نمی گوید (تقیه). شما دیگر مسلمان نیستید، و دین خود را اسلام ننماید.

برای آغاز خرافه شناسی و خرافه زدایی چه کتاب هایی را باید خواند

کانون فرهنگی خرافه زدایی توصیه می‌کند، کتابهای زیر را بخوانید تا خرافه را به خوبی شناخته، ضمن دوری گزیدن از آن، جامعه خود را از این آلودگی آگاه کنید:

- کتابهای تولدی دیگر، حل المسائل، جنایات و مکافات، در نبرد اهریمن و پس از یکهزار و چهارصد سال، از شجاع‌الدین شفا.
- کتابهای الله و اکبر، کورش بزرگ و محمد بن عبدالله، شیعه‌گری و امام زمان، بازشناسی قرآن، روز قیامت و اسلام... از دکتر مسعود انصاری.
- کتابهای، بهاییگری، صوفیگری، شیعه‌گری، سنی‌گری، پندارها از احمد کسروی.
- کلیه جزوه‌ها، دفترچه‌ها و نوشته‌های در باره ادیان، خرافات از دکتر احمد ایرانی
- کتاب ادیان ثلاثه از مهندس نادر پیمایی
- کتاب در باره ادیان از ولتر.
- کاروان اسلام از صادق هدایت.
- توضیح المسائل، تحریرالوسیله و کشف الاسرار روح‌الله خمینی
- بیست و سه سال علی دشتی.
- پیامبران خرد و کمندی خدایان از هوشنگ معین زاده
- از نویسندگان دیگر و نویسندگان غیر ایرانی در شماره بعد نام خواهیم بُرد.

ناتوانی های انسان در اندیشیدن، سبب گردیده است در بیشتر موارد، نادرستی‌ها و گمراهی‌ها بر درستی‌ها و واقعیت‌ها چیرگی پیدا کند.

اثر این چیرگی بر انسانها متفاوت و بر مردم حساس بیشتر است. به همین دلیل است که انسان پُر احساس ایرانی در درازای تاریخ بارها و بارها به بیراهه‌های خرافی کشیده شده و گرفتار گردیده است. از آن جمله اسیر شدن او در چنگال فرهنگ بیگانه و بسیار بد تازی که سراسر زورگویی، آلودگی و دروغین می باشد. این فرهنگ عقب مانده از یکهزار و چهارصد سال پیش کشور ما را به چنان قهقرایی برده که هنوز هم در واپس ماندگی شرم آوری دست و پا میزنیم، متأسفانه ضربه این فرهنگ بدوی و واپسگرا آن چنان کاری بوده که در دنیای شگفت آور اطلاعات و دانش‌ها، حتی تحصیل کردگان ما در کسوت پزشکی و متخصص به کار مسجد و کلیسا و کنیسه سازی پرداخته‌اند. به ویژه ایرانیان مسلمان با برپا کردن بنیاد های متعدد دینی و به راه انداختن کاروان های زیارتی و برپایی جلسات روضه خوانی و قرآن بر سر گرفتن و از همه ننگ آورتر سفره انداختن بی نتیجه بانوان ایرانی، همگی به گرامیداشت و عزا داری تازیانی که به میهن ما به زور دست انداخته‌اند و به نوامیس ما تجاوز کرده‌اند، می پردازند.

این مردان و زنان به ظاهر تحصیل کرده بجای خدمت به انسان‌ها و صرف اوقات خود در آزمایشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و مکان‌هایی مانند آن، عمر خود را در مجالس بی ارزش روضه و ختم و به سوگ نشستن برای تازیانی که بیش از هزار و چهار صد سال از مرگشان می‌گذرد ساعت‌ها و روزها و هفته‌ها با نیرنگ‌های گوناگون و غذای رایگان به گمراه کده‌های دینی خود می‌کشاند تا هرچه بیشتر خرافات دینی را به آنها تزریق نمایند. لذا با نگرش به افزایش روز مره این گونه اقدام‌های خرافی، سه سال پیش کانون فرهنگی خرافه زدایی برای ایستادگی در برابر این موج ویرانگر تشکیل گردید تا با افشا کردن کار خرافه گستران و ایستادگی در برابر مراکز دینی فریبکار به یکی از وظایف انسانی و میهنی خود بپردازد. و این مهم تنها با یاری دیگر هم میهنان امکان پذیر میباشد که بتوان در خشکابیدن درخت تنومند دروغ بزرگ به نام پیام‌های آسمانی و الهی و خرافات حاصله از آن گامی مؤثر برداشت. کنار کشیدن هر فرد

از یادداشت‌ها و جزوه‌های دکتر احمد ایرانی

جنگ با خرافات را از کجا آغاز کنیم

با نمونه خرافاتی که اجرای آن‌ها شایسته

هیچ انسان فهمیده‌ای نیست.

خود داری از انجام کارهای بیهوده و خرافی زیر آغاز راه هیجان انگیز و افتخار آوری است که انسان را به یک برتری غیر قابل توصیف آمیخته با غرور و دلیری میرساند.

- زیارت رفتن - روزه خوانی - نذر کردن - سفره انداختن - شمع روشن کردن.
- مقدس شمردن گورهای رهبران دینی - مقدس شمردن بزرگان دینی - دستیوسی رهبران دینی - مقدس شمردن کتابهای دینی.
- آویزان کردن نشانه‌های مذهبی و دعا برگردن و دیوار منازل.
- باور داشتن به معجزه و دعا و دعا خواندن - باور به وحی و الهام - باور به بهشت و جهنم.
- باور به حلال و حرام‌های مذهبی - باور به برگشت شخصی در نام‌های امام زمان و مسیح.
- باور به صفات داده شده به خدا در ادیان - کتابهای دینی را آسمانی دانستن و خواندن آنها برای کسب ثواب.
- استخاره کردن - قرآن بر سر گذاشتن - نماز خواندن - درخواست یاری از مُردگان مذهبی - سوگند خوردن.
- حجاب برای زنان در دین اسلام - کلاه بر سر گذاردن مردها در دین یهود - اعتراف به گناه در دین مسیحیت.
- رفتن به مساجد، کلیسا، کنیسه، خانقاه، محفل و هر محلی که برای کسب ثواب و نیایش باشد.
- کشتن حیوانات برای ادای نذر و مراسم مذهبی - سینه زنی - قمه زنی و گریه نمودن برای کسب ثواب.
- انجام مراسم پیمان زناشویی توسط آخوند و به زبان تازی - خواندن کتابهای مذهبی در مراسم ختم.
- دولا و راست شدن مسلمانان در نماز - صلیب سازی و دست بر سر و روی کشیدن مسیحیان در کلیسا - تکان تکان خوردن کلیمیان در برابر دیوار ندبه. و کارهای بیهوده دیگری در همین راستا.

● برخلاف ادعای دین‌های یهودی، مسیحی و اسلام هیچ کدام این دین‌ها توحیدی نیستند، زیرا بیهوده خدای یهود می‌گوید «گرچه خدایان دیگری هم هستند، شما مرا پرستید».

و در مسیحیت علاوه بر خدا، مسیح و روح القدس هم هستند. در اسلام هم خدای مهربان و هم خدای قهار وجود دارد.

● خدای دین‌های یهودی، مسیحی و اسلامی خدایی ضد دانش و ضد معرفت است. زیرا به آدم و حوا فرمان می‌دهد، که هرگز میوه درخت معرفت را نخورند! تا در گمراهی باقی بمانند. این خدا شیفته ستایش و چاپلوسی است و بجز ترساندن کار دیگری ندارد.

● برابر برآورد دین شناسان بزرگ جهان، در کتاب‌های دینی که مقدس نامیده می‌شود، بیش از هشتاد هزار مورد اشتباه و دوگانه گویی وجود دارد.

● در مورد ارزش زن در دین‌های آسمانی، در انجیل آمده است. روح خود را به زن مسپارید، همه گناهکارها در برابر گناهکارهای زنان چیزی نیست. درد ترا به هنگام زایمان چندین برابر خواهیم کرد، تولد کودکت درد آلود خواهد بود. در تورات هم فقط مردان دارای اهمیت هستند و از زنان هیچ گونه نامی در تورات نمی‌بینیم. در اسلام که وضع زن نور علی نور است! حضرت علی امام اول شیعیان در باره زنان گفته. زنان ناقص در ایمان، ناقص در بخت و ناقص در خرد هستند!

کتاب‌ها و جزوه‌های این نویسندگان، دکتر مسعود انصاری، استاد شجاع‌الدین شفا، دکتر احمد ایرانی و علی میرفطروس را که همه در راه افشاگری و خرافه ستیزی است حتماً بخوانید.

از پوشیدن لباس سیاه بویژه در مراسم درگذشت اشخاص و فامیل خود داری کنید و غم عزاداران را با ایجاد فضای تیره غم آلودتر نکنید سیاهپوشی در روزهای غم دار از فرهنگ ایرانی نیست.

رأفت اسلامی یا وحشت انسانی

علامه محمدخان قزوینی که به گواهی بسیاری از صاحب نظران یکی از دقیق ترین، منصف ترین و بیطرف ترین محققین معاصر ایران است در یکی از مقالات خود از کتاب بیست مقاله وقتی راجع به ورود بسیاری از کلمات عربی به زبان فارسی به بحث و اظهار نظر پرداخته است فرموده‌اند «فی الواقع پاره‌ای از ایرانیان بمحض قبول دین اسلام گویا از تمام وجدانیات انسانی و عواطف طبیعی که منافات با هیچ دینی هم ندارد منسلخ شدند و قبر قُتَبه بن مُسلم باهلی سردار معروف حجاج که چندین صد هزار نفر از ایرانیان را در خراسان و ماوراءالنهر کشتار کرد و در یکی از جنگ‌ها به سبب سوگندی که خورده بود اینقدر از ایرانیان کُشت که به تمامی معنی کلمه از خون آنها آسیاب روان گردانید و گندم آرد کرد و از آن آرد نان پخته تناول نمود و زن‌ها و دخترهای آنها را در حضور آنها به لشکر عرب قسمت کرد قبر این شقی ازل و ابد را پس از کشته شدنش زیارتگاه قرار دادند و همواره برای تقرب به خدا و قضای حاجات «تریت آن شهید» را زیارت می‌کردند ولی بزرگترین شاعر ایران و بانی رفیع ترین و منیع ترین بنای مجد و شرف ملی ایران یعنی فردوسی طوسی علیه‌الرحمه را پس از وفات بعوض اینکه قبه و بارگاه بر سر مقبره او بنا کنند معاصرین قدرشناس او حتی جَسَد او را نگذارند که در قبرستان عمومی مسلمانان دفن نمایند و مقتدای آنها شیخ ابوالقاسم گرگانی گفت «او مادح گبران و کافران بوده و پیغمبر فرموده من تَشَبَه بِقَوْمٍ فَهُم مِثْلُهُم» این داستان شرم آور و غم انگیزی از گذشته‌های دور است ولی بسیاری از ما ایرانیان که هنوز شاهدان زنده‌ای برای انقلاب اسلامی بوده‌ایم میدانیم همین که زمام امور مملکت ما بدست شیخ ابوالقاسم‌های به اصطلاح ایرانی افتاد و به دستور مقتدا و رهبر انقلاب عده‌ای از بهترین و میهن خواه ترین سربازان ایران بر بام محل سکونت خمینی (مدرسه علوی) به جوخه آتش سپرده شدند و در تابستان سال ۶۷ بطوریکه بسیاری از ما میدانیم ده‌ها هزار جوان برومند و تحصیل کرده ایرانی فقط به جرم اختلاف نظر و عقیده با حکومت شیخان ریائی با طناب دار یا جوخه‌های اعدام جان شیرین خود را از دست دادند و باز هم همانطور که میدانیم گور خمینی این شقی ازل و ابد هم، هم اکنون زیارتگاه بسیاری از مردم ناآگاه و عرب مآب و وارثان امثال محمد باقر مجلسی و شفتی و آقا نجفی اصفهانی، ملا علی کنی و شیخ فضل الله نوری

شده است و هر از چندگاه برای چپاول و گردآوری پول‌هایی که مردم فریب خورده به داخل حَرَم بی حرمت این جنایت کار انداخته‌اند متولیان رژیم به داخل نرده‌های قبر رفته و بعنوان غبار رومی این پولهای باد آورده را پارو کرده و بین خود تقسیم می‌کنند. چه کسی آب به آسیاب این نگهبانان جهل و فساد می‌ریزد بجز خوش باوری و ساده اندیشی و تلقین پذیری ما؟ جز اینکه قرن‌ها به ما تلقین شده است که مُستی جنایت کار متجاوز جاه طلب و شکم باره را باقداست و احترام بنگریم و با تکریم و تواضع با آنها رفتار کنیم؟ ما از کجا بدانیم که در زیر گنبد و بارگاه این انبوه امامان و امام زاده‌ها که قُبور آنها با پول مردم و با بخشش‌های مردم و با ذوق هنری هنرمندان فریب خورده ساخته و پرداخته شده و شقی‌ها، قسی‌ها و غارتگرانی بی‌رحم نظیر قُتَبه بن مُسلم نخواستند است که دکانداران دین فروش از کلاه وجود بی مقدار آنها کوهی از سجایای اخلاقی و مناقب و محاسن انسانیت ساخته‌اند و بخورد مردم داده‌اند. همه میدانیم خمینی و هواربوش چنان رفتاری با مردم ایران کردند که روی همه جنایتکاران تاریخ را سفید کردند وزیر دادگستری دولت بازرگان صدر حاج سید جوادی در آبانماه سال ۱۳۵۸ چگونگی عمل قاضی القضاة حجت الاسلام صادق خلخالی را چنین شرح داده است «شنیده‌ام آقای خلخالی به کودک ۱۶ ساله‌ای که دستور اعدامش را داده بود گفته است اگر گناهکار باشی به جزای اعمالت میرسی و اگر بیگناه باشی خوش حال باش که شهید می‌شوی» همین آقای وزیر در جای دیگر برای توجیه بی کفایتی و تبرئه خود گفته است «من وقتی عکس کودک ۱۲ ساله‌ای را دیدم که در کردستان اعدام کرده‌اند و عکس افراد مجروحی را دیدم که آنها را با همان حال نزار به میدان تیر برده‌اند بسیار ناراحت شدم زیرا انقلاب ما برای این بود که دیگر شاهد چنین صحنه‌هایی نباشیم» گویا این آقای وزیر فراموش کرده است که بگوید همین آخوند‌های سالوس مآب ریاکار سالها برای دو طفلان مُسلم روضه خواندند و از مردم اشک گرفتند و یک کلمه نمی‌گفتند که طفلان مسلم چون بیگناه بودند اکنون در بهشت با حوریان بهشتی محشور و هم بسترنند و برای آنها گریه نکنید بلکه جشن و شادی بر پا سازید چون آنها شهیدند. همین هفته قبل از رسانه‌های گروهی شنیدیم و دیدیم که پس از سقوط صدام گروهی از مردم باصطلاح شیعه سر و پا برهنه از کربلا بسوی نجف سرازیر شده و با قمه و زنجیر بر سر و روی خود می‌کوبیدند که در ۱۵۰۰ سال پیش و در پی دعوی حسین و یزید بر سر تصاحب بقیه در صفحه‌ی ۱۱

از مُرده ها کاری ساخته نیست

دین باوران معمولاً بدون چون و چرا و کورکورانه همه دستورات دینی را اعم از آیه، حدیث و روایت و نقل قول می پذیرند و حاضر نیستند کمی به خود زحمت بدهند و برای یکبار هم که شده از خود بپرسند چرا؟ این درد بی دوا و خانمانسوز گریبانگیر همه ی دین بازان می باشد و به با سواد و بی سواد محدود نمی شود، گرچه از بیسوادان انتظاری نیست ولی باید دید چرا درس خوانده ها از شیخی تقلید می کنند که به اندازه خواندن و نوشتن سواد دارد این تحصیل کرده ها چه زن و چه مرد، بدون تفکر، در سفره اندازی و سینه زنی و قرآن بر سر گذاردن از یکدیگر پیشی می گیرند و نه تنها راه های خرافی را که دین به آنان تحمیل کرده است کنار نمی گذارند بلکه همان روش خرافی را بزک می کنند و نام دین راستین بر روی واپس ماندگی های دینی می گذارند و باز هم آن را نشخوار می کنند. این درس خواندگان دینی اکنون که در خارج از ایران هستند بجای رفتن به کوه بی بی شهربانو و یا بجای رفتن سر قبر معصومه در قم و یا رفتن سر قبر امام رضا اکنون به هتل ها میروند و با گذاردن شله زرد روی میزها و پهن کردن سفره مادر ام البنین به ندبه و زاری و حاجت خواستن می پردازند. دروغا که اینان روشنفکران و درس خوانده های اسلامی کشور ما هستند. اینان توان گشودن دریچه ای از خرد و منطق را بر تفکر خود ندارند، اینان همواره در پی مقدس تراشی و تقدس گرایی و گریه و زاری و تکه پارچه ای بر درختی بستن هستند و می خواهند همه کارها را با التماس و دعا خوانی و تسبیح گردانی راه بیاندازند، اینان هنوز هم از مُردگانی که هزار و چهار صد سال پیش زیر خاک رفته اند و استخوان هایشان نیز پوسیده و خاک گشته و اثری از آنها نمانده یاری می طلبند و گشایش مشکلات خود را می خواهند. که اگر آنان معجزه گر بودند برای خود معجزه می کردند و جانشان را حفظ می کردند. عده ای هم به دکه هایی به نام خانقاه می روند و عنان اختیار خود را در دست شخصی به نام قطب و یا مُرشد قرار میدهند و هرچه را که این قطب به آنها می گوید، همان می کنند. این گونه افراد انتظار دارند همه به باورهای معتاد و سر تا پا خرافی آنها احترام بگذارند و کلامی را نگویند که برخلاف باورهای خرافی آنهاست. آنها دوست دارند شما هم راه آنها را

بروید و پای سفره های آنان بنشینید و در صف قرآن بر سر گذارند هایشان درآیید، اینان در ردای روشنفکری خادم فرهنگ خرافات هستند و همواره به دنبال دیگر دین باوران روانند تا هرچه بیشتر خرافات دینی را به دیگران تزریق کنند، خانم های عزیز ایرانی بپرهیزید از این مردم و اجتماعات، بجایش روزی چند دقیقه کتاب بخوانید و فکر کنید که راهی را که تا به امروز رفته اید درست بوده است یا نه؟

تعدد زوجات، ارث نا برابر، برابری شهادت
دوزن با یک مرد، لکه سیاه بر دینی است که
چنین قوانینی دارد.

آگاهی

مورد توجه نویسندگان، چاپخانه ها و ناشرین

بدینوسیله سازمان انتشاراتی Short-Run Publishers به آگاهی نویسندگان و ناشرین می رساند. نویسندگانی که تا کنون به دلیل گرانی چاپ کتاب در تیراژ کم (۱۰۰ - ۲۰۰ نسخه) دچار دشواری ها می شدند، می توانند با این سازمان تماس گرفته و کتاب خود را به کمترین بها و زودترین زمان به چاپ برسانند.

سازمان Short-Run Publishers برای پاسخگویی به این دشواری ها اکنون آماده خدمت به هم میهنان است.

توانائی های ما، در حال حاضر عبارتند از (به انگلیسی و به فارسی):

حروفچینی، لغزشگیری، صفحه بندی، چاپ محتوی، طرح و چاپ جلد و صحافی.

* اگر نسخه دست نویس آماده هست، ما کتاب چاپ شده را تحویل می دهیم

* اگر حروفچینی و صفحه بندی انجام گرفته، ما بقیه کار را انجام می دهیم

* اگر احتیاج به پوشش (جلد) هست، ما طراحی و چاپ را می کنیم

* اگر کار آماده به صحافی است، ما صحافی را خواهیم کرد

همه کارها را به پایین ترین بها و در کمترین زمان انجام می دهیم. هدف پاسخگویی به دشواری انتشار کتاب های کم تیراژ است، در کمترین زمان و نازلترین بها.

Short-Run Publishers
4773 Hollywood Boulevard
Los Angeles, CA 90027
Tel. 323-666-4278
Fax. 323-666-4271
e-mail: Armen@cftwest.org

کانون خرافه زدایی در نبردی نابرابر

با غول ارتجاع

پشتیبانان غول ارتجاع و خرافات در میهن ما از انواع افراد و جمعیت‌ها و سازمان‌ها و حتا کشورهایی هستند که نبرد با آنها کاری است بسیار مشکل که کانون فرهنگی خرافه زدایی مدت سه سال است این نبرد نابرابر را بعهدہ گرفته و روی آن کار می‌کند.

از جمله پشتیبانان ارتجاع و خرافات در ایران، بخش بزرگی از بازاریان قدیمی، دار و دسته‌های ملی مذهبی، بخشی قابل توجه از زنان ایران، روشنفکر نمایان، دولت نالایق اصلاح طلب، لانه‌های خرافه ساز، مانند شهرهای مذهبی قم، قزوین، اصفهان، مشهد، کشورهای عقب مانده اسلامی مانند پاکستان، عربستان، دیو استعمارگر غرب دولت فحیمه انگلیس و کشورهای غربی چشم دوخته به معادن و نفت ایران می‌باشند.

برای از میان برداشتن این همه دشواری موجود بر سر راه خرافه زدایی، کشور ما نیازمند سپاهی توانمند و تازه نفس با ابزارهای علمی و توانا می‌باشد که با کانون فرهنگی خرافه زدایی همکاری کنند. و یا کانون‌های متعدد خرافه زدایی را خود تشکیل دهند.

برای پیوستن به این کانون فرم هموندی (درخواست عضویت) چاپ شده در همین شماره را پُر کرده و به نشانی ما بفرستید تا با پیوستن به یک جنبش نوین فکری به فرزندان خود و نسل‌های آینده ایران خدمتی شایسته کرده باشید.

برای ما بین ادیان مختلف هیچ گونه تفاوتی نیست. تنها بدلیل آشنایی بیشتر با اسلام و تعداد مسلمان زادگان کانون بیشتر به نقد اسلام می‌پردازیم. امیدواریم روزی برسد که مطالب این نشریه شامل همه ادیان بشود.

خانقاه‌ها بزرگترین مرکز خرافات هستند

خدا و ادیان

● آنانکه خدا را توصیف و تعریف می‌کنند و به او صفاتی خوب یا بد نسبت میدهند، آنها یا نا آگاه و نادان هستند و یا حسابگرانی زبردست. زیرا هر آنچه را که به خدای بشر ساخته، نسبت بدهیم همه ساختگی است و حدس است و گمان.

● از دلایلی که دین بازان برای آمدن ادیان عنوان می‌کنند، یکی، نیاز زمان است. که اگر چنین باشد، پس دین اسلام نمی‌تواند آخرین دین و برای همیشه باشد. که نیاز زمان دین‌های نوتری را میطلبد و دین‌ها بایستی همواره عوض شوند و به نیاز زمان بیایند.

● دین‌ها همان احزاب و ایدئولوژی‌های زمان خود هستند که برای بدست آوردن قدرت و پول بوجود آمده‌اند.

● اگر دین بازان نظم و ترتیبی را که در بعضی مکان‌ها و زمان‌های زمین و آسمان نشانه وجود خدا میدانند، پس بی‌نظمی‌های فراوان دیگر مانند زلزله، توفان، آتشفشان، سیل، درجه حرارت‌های متغیر، کم و زیاد بودن باران و برف در نقاط مختلف (بی تناسبی تقسیم این مواد)، زشتی و زیبایی رخسار انسان‌ها، گرسنگی و فقر در اکثریت مردم جهان، و بسیاری دیگر از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها می‌تواند دلیل نبودن خدا باشد.

● از ضد و نقیض نوشته شدن موضوع‌های هر کتاب به اصطلاح آسمانی و تفاوت‌های فاحش آن چند کتاب با یکدیگر میتوان به بی‌پایه و اساس بودن این کتابها پی برد که به هیچ خدای واحدی نمی‌تواند ربط داشته باشد.

● خوشبختی واقعی روزی به کره زمین خواهد آمد که انسان‌ها به ماهیت واقعی ادیان پی برده و در این کسب و کار اختلاف برانگیز را کاملاً ببندند.

● تا ایرانی‌ها به واقعیت گفته شده بالا پی نبرند، در هر حکومتی آخوندها با گردن‌های قطور و شکم‌های بزرگ بر آنها حکومت خواهند کرد.

اجازه ندهید هیچ آخوندی حتی کراواتی‌های آخوند پیشه، پیمان زناشویی فرزندان شما را انجام دهند و یا به زبانی جز زبان خودتان پیمان زناشویی برقرار کنند.

کارنامه کانون فرهنگی خرافه زدایی

کانون در تاریخ نهم جولای سال ۲۰۰۰ با شرکت ۹ نفر از هم میهنان آینده نگر و روشنفکر ما در شهر لس آنجلس پایه گذاری شد. در طول سه سال عمر کانون، با وجود مشکلات مالی و گرفتاری های مختلف برای انجام یک کار دستجمعی و دوری راهها، کانون موفق به انجام کار های با ارزش زیر شده است.

● تشکیل ۴۱ گروهی ماهیانه هفتگی بین بنیاد گذاران و هموندان جدید.

● تهیه و تکمیل آئین نامه های داخلی و طرح سازمانی و پیش بینی های لازم برای پیشرفت کار.

● برپا کردن یک سایت الکترونیکی

● تهیه مقدمات انتشار یک نشریه، که اینک در دست شما است.

● نوشتن ده ها نامه به اشخاص و سازمانها در باره همکاری کردن آنها در امر خرافه زدایی از جامعه.

● نوشتن چندین بار نامه به کلیه رسانه های همگانی برای قطع گفتارها و تبلیغات خرافی.

● نوشتن نامه های سپاسگزاری به تعدادی از روزنامه نگاران و کارکنان رسانه های گروهی ایرانی که با درخواست های کانون موافقت نموده و در راه خرافه زدایی به ما یاری دادند.

● نوشتن دو نامه به دفتر شاهزاده رضا پهلوی یکی انتقادی و دیگری پیشنهادی در راستای کار خرافه زدایی.

● تکرار چند نامه انتقادی به برخی از روزنامه نگاران و برنامه سازان که همچنان به ترویج خرافات می پردازند.

● نوشتن چند نامه در موضوع های جداگانه به رئیس جمهور آمریکا مانند اعتراض به قطع بودجه آزمایش های علمی کلونینگ (شبهه سازی) که دستورات دینی مانع انجام این آزمایش های مفید علمی گردیده است و انتقاد بر اجباری شدن دعا خوانی در مدارس.

● دعوت از خرافه ستیزان بزرگ جهان برای انجام سخنرانی در کانون، مانند نویسنده نامدار سلمان رشدی، تسلیمه نسرين، دکتر مایکل نیودو، ابن وراق و دیگران.

● انجام یک مناظره در باره قرآن با شرکت دکتر احمد ایرانی از سوی کانون در مقابل دکتر میر جاوید جلالی رئیس مسجد مسلمانان شهر ارواین که در برابر مردم انجام شد.

● انجام برنامه بزرگداشت زنده یاد احمد کسروی خرافه ستیز

دلیر ایران مشهور به ولتر ایران با سخنرانی های دکتر احمد ایرانی - دکتر فضل الله روحانی - مهندس آرمن ساگینیان - دکتر هوشنگ سلیمانی نژاد - آقای رضا بزرگزاد که با حضور پسر بزرگ زنده یاد کسروی انجام گردید.

● انجام سخنرانی در باره ماجرای مبارزه با دعا خوانی اجباری در مدارس آمریکا توسط آقای دکتر مایکل نیودو خرافه ستیز بزرگ آمریکایی که برای همین موضوع با دولت آمریکا به جنگ پرداخته است.

● انجام سخنرانی با شرکت خرافه ستیز بزرگ بنگلادشی خانم تسلیمه نسرين که به سلمان رشدی زنان مشهور شده است.

● انجام دو سخنرانی توسط خرافه ستیز نامدار ایران دکتر مسعود انصاری یکی در لس آنجلس و دیگری در اورنج کانتی.

● انجام سخنرانی توسط آقای دکتر مرتضا میرآفتابی، نویسنده، شاعر، محقق توانا و ناشر مجله وزین سیمرغ.

● اجرای چند برنامه تلویزیونی و رادیویی در راه معرفی و اهداف کانون توسط هموندان کانون.

● نوشتن مقاله ها و اعلامیه های مختلف در رسانه های گروهی بویژه در نشریه معتبر ایرانشهر چاپ لس آنجلس.

● همکاری نزدیک با سازمان های سکولار آمریکایی مانند بینش نوین (نیو هورایزن) که ریاست آن را یکی از هموندان و بنیادگذاران کانون خرافه زدایی، آقای آرمن ساگینیان به عهده دارد.

● تلاش مداوم در جهت آگاه سازی، افشاگری و خرافه زدایی در مسیر اهداف کانون.

● ارسال یک نامه هشدار دهنده به رئیس جمهور آمریکا در مورد آیت الله هایی که از سراسر جهان عازم عراق گردیده اند تا یک حکومت اسلامی برقرار کنند، این نامه در روزنامه انگلیسی رجی ستر اورنج کانتی هم چاپ شد.

● دعوت از آقای شجاع الدین شفا برای انجام چند سخنرانی که مورد قبول ایشان واقع گردیده و امید است در سال آینده با آمدن ایشان از فرانسه به انجام برسانیم.

کانون فرهنگی خرافه زدایی ارتباط خصوصی هر کسی را با معبودش محترم می شمارد. انتقاد و افشاگری ما بر دین های اختلاف برانگیز، تبلیغی و تحمیلی است.

خلافت، حسین کشته شده است، هیچ یک از مسخ شده های شیفته حسین کوچکترین نشانی از کشته شدگان حمله آمریکا و زخمی ها و معلول های بیمارستانها با خود نداشته و گویی مصیبت و گرفتاری فقط و فقط حسین است که در پانزده قرن قبل در جنگ بر سر خلافت نبرد را باخته و کشته شده است و داغ ابدی بر دل دکانداران دین نهاده است گوئی از پس آن واقعه دیگر هیچ گونه اتفاق دل خراشی در این دنیای پُر آشوب به وقوع نپیوسته است که قابل اهمیّت باشد، نه جنگی نه مصیبتی نه گرسنگی نه تشنگی نه زور گوی ظالمی و نه مظلوم مرعوبی فقط مظلومیت به حسین ختم شده و ظلم و جور و زورگوئی با یزید به گور رفته است به قول متفکر پارسی گوی جلال الدین محمد بلخی «چشم باز و گوش باز و این عمی حیرتم از چشم بندی خدا» در حمله آمریکا به عراق تاکنون اطلاع یافته ایم که بسیاری بیمارستانها موزه ها کاخ ها تأسیسات آب و برق حتی باغ وحش و مغازه ها غارت و ویران شده ولی حتی یک کاشی از هیچ زیارتگاهی کنده نشده است چرا؟ این نه از ترس شیعیان و یا مردم پا برهنه قمه زن بود بلکه به این خاطر است که شاید بصلاحدید بریتانیای کبیر این جهل و خرافه پراکنی و حیدری و نعمتی و شیعه و سنی و کافر و مسلمان و دعوای بین آنها تداوم داشته باشد و یکدیگر را بکشند حتی اگر هزاران نفر کشته شوند و سرها بر باد رود و خانمان ها پراکنده گردند چه باک! فقط سر حسین سلامت باد که با تداوم این جهل و خرافه پراکنی و دامن زدن به آتش این فرقه گرائی ها است که استعمار کهنه و نو میتواند با بستن قرارداد های اسارت بار بغارت خود تداوم بخشند و با تسلط این گروه قمه کش و عربده جو بر جان و مال مردم این کشور همه صداهای آزادی خواهی و حق طلبی را خفه کنند که تحصیل کرده ها، نخبگان و تکنوکراتها و ایلت های کارآمد و کار ساز از کشور گریخته و به دامان همان کشور هایی به پناه بروند که در پختن این آش مُهوع انقلاب سهم مهمی داشتند. آیا وقت آن نرسیده است که همه با هم فریاد برآوریم. آتش افکن به سُبحه و دستار مایه های تباهی و پندار

کشورهای ایران و مصر بایستی هرچه زودتر ...

کشورهای ایران و مصر با سابقه تمدن بزرگ خود در یکهزار و اندی سال پیش مورد هجوم اعراب بدوی آن زمان قرار گرفتند و بزرگی و تمدن خود را از دست دادند. اینک زمان مناسبی فرا رسیده که خود را از این مهلکه عقب ماندگی و شکست تاریخی که سراسر پیام های آن دروغی بیش نبوده نجات دهند. در هر دو کشور اکثریت بزرگی به اشتباه تاریخی پذیرش حاکمیت اعرابی پی برده و در پی چاره جویی هستند.

تنها راه سریع رسیدن به این آرزو اقدام مشترک روشنفکران ایران و مصر است که در این زمان مناسب، که جهانیان به خوبی به ماهیت عقب مانده ایدئولوژی خطر آفرین و ضد انسانی اسلامی که در کشور های افغانستان، پاکستان، ایران، مصر، عربستان و سراسر جهان اسلام حاکم شده واقف گردیده اند، بایستی با یک اقدام دلیرانه خواستار جدا شدن ایران و مصر از جرگه کشور های اسلامی بشوند. و گام اول رهایی نهایی را آغاز کنند. با جو مناسب موجود، حتی زمزمه های آغاز چنین کار مشترکی کل جهان اسلام را به لرزه در خواهد آورد و آماده پذیرش آن خواهد کرد. از روشنفکران ایرانی دعوت می کنیم که برای انجام این آرمان بزرگ پیشگام شوند و ضمن ابراز نظرات خود برای چگونگی آغاز کار با کانون فرهنگی خرافه زدایی همکاری کنند.

توضیح لازم

۱- شورای نویسندگان بیداری در حک و اصلاح مقاله های رسیده آزاد است، نویسندگان پاسخگوی نوشته های خود هستند و بیداری مسئولیتی در برابر نوشته های وارده و آگهی ها ندارد.

۲- نام اولیه کانون، فرهنگی خرافه زدایی و جدایی حکومت و دین بود که در هنگام درخواست غیرانتفاعی شدن کانون ناچار به حذف بخش سیاسی بودن کانون (جدایی دین و حکومت) گردیدیم.

مسلم است که این کانون خواهان جدایی دین و حکومت است. و البته به باور های خصوصی مردم احترام گذارده، تنها در راه تجزیه و تحلیل، افشاگری و باز کردن تک به تک خرافات دینی می پردازد نه بیشتر از آن.

کار خرافه زدایی را با خواندن کتاب ادیان ثلاثه

از مهندس نادر پیمایی آغاز کنید

بیداری

چشم انتظار راهنمایی شما است

نشریه بیداری C.C.E.S

2222 Michelson Dr. #202

IRVINE CA 92612

U.S.A

Tel & Fax 949-252-8049

www.BIDARI.ORG

این بیداری نامه را پس از معرفی کردن به دوستان نگهدارید که امکان نایاب شدن آن بسیار است.

بهای نشریه بیداری

ما بنیادگذاران این کانون تا حد گذشتن از جان برای رهایی میهن مان از بلای خرافات حاضر به پرداخت بها گردیده ایم.

شما هم به اندازه توانایی و همت عالی خود بهایی برای این نشریه که وسیله کار ما است، تعیین و به آدرس زیر بفرستید.

کمک های ارزنده شما به کانون فرهنگی خرافه زدایی از معافیت مالیاتی برخوردار می شود.

بنیادگذاران کانون تعهد اخلاقی دارند که کمک های مادی شما تنها در امر حیاتی خرافه زدایی صرف شده و کوچکترین حیف و میلی صورت نگیرد.

تا خرافات هست، از دموکراسی و آزادی خبری نیست.

کتاب های خرافه ستیز بزرگ دکتر مسعود انصاری

الله و اکبر - روز قیامت در اسلام، باز شناسی قرآن، شیعه گری و امام زمان... را حتماً بخوانید.

پس از «تولد دیگر» اینک «پس از یک هزار و چهار صد سال» آقای شجاع الدین شفا منتشر شد

اهداف کانون فرهنگی خرافه زدایی

- ۱- رهایی انسان از چنگال جهل و خرافات دینی و ترویج خردگرایی به روش های علمی و منطقی.
- ۲- حذف آموزش های دینی از رسانه های همگانی، دستگاه های آموزش و پرورش و دستگاه های دولتی.
- ۳- ترویج سکولاریسم.
- ۴- فرهنگی و دموکراتیک بودن کانون و بستگی نداشتن به هیچ ایدئولوژی و احزاب سیاسی.

فرم درخواست عضویت کانون

نام..... نشان.....
آدرس.....
تلفن منزل..... تلفن کار..... تلفن دستی.....
مایلیم ماهیانه..... دلار حق عضویت بپردازم.
تاریخ..... امضا.....

قابل توجه خوانندگان گرامی

اگر مایل هستید شماره های بعدی این نشریه استثنایی را بدست آورید، آن را حتماً آبونه شوید زیرا،

۱- پخش چنین نشریه ای که بسود متعصبین و بنیاد های خرافه گستر نیست، به مرور زمان با اشکال پخش مواجه خواهد شد. که بهترین راه دریافت آن از راه پست می باشد.

فرم درخواست اشتراک بیداری

نام..... نشان.....
آدرس.....
تلفن منزل..... تلفن کار..... تلفن دستی.....
مایلیم برای حق اشتراک سالیانه..... دلار حق بپردازم.
تاریخ..... امضا.....